

تبیینی بر ادراک دختران دانش آموز از نحوه حجاب در مدارس که چادر در آنها اجباری است

بهنام طالبی^{۱*}، فاطمه کریمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۹ صص ۱۱۱-۱۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۹

چکیده

افزایش خودپنداره و تصور مثبت بانوان نسبت به حجاب از اولویت دارترین و مناسب ترین راهکارهایی هستند که برای درونی شدن ارزش حجاب استفاده می شود. پژوهش حاضر، ضمن واکاوی در تجربه زیسته دختران دانش آموز (در مدارس که چادر در آنها اجباری است)؛ ادراک آنان از نحوه حجاب را مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه مبتنی بر رویکردی کیفی و به روش پدیدارشناسی، با مطالعه ۲۰ نفر مشارکت کننده از میان دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تبریز می باشد. این تحقیق با روش نمونه گیری هدفمند و با ۲۲ مصاحبه فردی و یک مصاحبه گروهی نیمه ساختار یافته انجام شده است. تحلیل داده ها بر اساس راهبرد هفت مرحله ای کلازی صورت پذیرفت. یافته ها نشان می دهد که در تجربه زیسته دانش آموزان از نحوه حجاب فقط در پوشش چادر خلاصه نمی شود، عفاف و حجاب در همه رفتار باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین از تجربه دانش آموزان مضامینی بدست آمد که عبارتند از: هرچند تأثیر تجربه گذشته در تعیین نوع حجاب زیاد است؛ با این حال رعایت حجاب در گرو وضوح تعریف آن می باشد، اصلاح نظام شناختی، بهترین شیوه آموزش حجاب می باشد. ایدئولوژیک بودن اندیشه حجاب مهمترین نکته در رعایت آن و گرایش درونی به حجاب، پایدارترین شیوه عمل به حجاب است.

کلمات کلیدی: پوشش اسلامی، حجاب، چادر، ادراک دختران.

^۱ استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ دانشجوی دکترای تخصصی، گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

* نویسنده مسئول مقاله: Email: btalebi1972@gmail.com

مقدمه

پوشش و حجاب همواره یکی از مسائل اساسی انسان است که برای زنان و مردان در سطح جامعه مطرح می‌گردد. حضور اجتماعی افراد باعث می‌شود، موضوع حجاب به صورت مسئله‌ای ویژه با وسعت و گستردگی خاص مطرح شود. چنانکه می‌توان این موضوع را یکی از حساس‌ترین مسائلی دانست که جامعه فعلی ایران اکنون با آن مواجه است.

مسئله حجاب در واقع در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که چهارچوب مسائل زنان در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین مؤلفه‌های مذهبی معنوی، منزلتی، شخصیتی و رفتاری از منظرهای مختلفی قابل بررسی است. حجاب به مثابه کنش اجتماعی است و فرد کنشگر برای آن معنایی ذهنی و ارزشی نمادین قائل است. کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان فردی و تحت تأثیر دریافت انتظارات دیگران در حوزه عمومی می‌باشد. این کنش اجتماعی مبتنی بر چهار لایه مفهومی اصلی است که عبارتند از: باورها، ارزشها، هنجارها و نمادها، به طوری که باورها، ارزشها و هنجارها دارای وجوه ذهنی و اعتباری هستند. برای درک وضعیت عینی حجاب و تحلیل آن نیز باید به این لایه‌های ذهنی مراجعه کرد. (Mahboubi, 2007)

بطور کلی حجاب حفاظ ظاهری و باطنی، در برابر افراد نامحرم قلمداد می‌شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد. پیشینه حجاب به اندازه تاریخ آفرینش انسان است. (Hadad Adel, 2007) لباس تحت تأثیر فرهنگ و معرفت شخصیت افراد می‌باشد. (Mohammadi; Ghodsi, 2016) حجاب به مثابه رسانه ارتباطی نمادین و کنش اجتماعی است که فرد کنشگر برای آن معنای ارزشی نمادین قائل است. (Sharipoor; Taghavi; Mohammadi, 2012)

امروزه جوامع اسلامی در بحث حجاب، نیازمند نوعی گذار هستند؛ گذاری که از تقلید، عادت و تعبد از سر اکراه به مرحله آگاهی و معرفت باشد. چنانکه اغلب، زنان بیشتر از بعد اعتقادی به حجاب می‌نگرند و از لحاظ رفتاری، کمتر به آن عمل می‌کنند. (Mohammadi; Ghodsi, 2016) در عصر حاضر کارکرد کارگزاران جامعه‌پذیری، همچون خانواده، گروه همسالان، شبکه‌های ارتباطی، محیطهای آموزشی، کانونهای فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی، مقدار پاداش و مجازات در تربیت اعضای جدید نقش محوری دارند. در این سبک می‌توان از مصارف انواع کالاهای فرهنگی مانند: ماهواره، سینما، اینترنت، فیلم‌ها، مجلات و روزنامه‌ها وغیره نام برد. (Sharipoor; Taghavi; Mohammadi, 2012) اگر ضرورت و نقش حجاب در اجتماع به خوبی تبیین شود، زمینه‌های توسعه و ترویج آن به راحتی و با مشارکت همه مردم فراهم خواهد شد. (Fazalalahi, 2012) چنانکه

دانش آموزان با فواید و فلسفه وضع این قانون الهی از منظرهای مختلف دینی، عقلی، علمی و روانی آشنا شوند، حتی اگر مقید به رعایت کردن آن نباشند، احتمال تغییر رفتار در آینده وجود دارد. (Karimi, 1993) دریافت نگرش و گرایش دانش آموزان نسبت به لزوم رعایت یا عدم رعایت حجاب کمک شایانی در رسیدن به برنامه ریزی آینده در مورد این پدیده خواهد کرد. چرا که آنها با گسترش این فرهنگ در درون خود، می توانند کمک شایانی به اشاعه و تقویت فرهنگ حجاب داشته باشند.

واژه حجاب در فرهنگ فارسی در سه معنا به کار رفته است: ۱- پرده و ستر ۲- نقابی که زنان چهره خود بدان پوشانند (روبند) ۳- چادری که زنان سرتاپای خود را بدان پوشانند (Moin, 1963, Vol.1, P.481). کلمه حجاب مصدر از ریشه (ح ج ب) است به معنی هر آنچه میان دو چیز حائل شود. (Talebi Delir, Razavi Tusi, 2013 P.71) حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود. (Mahdizadeh, 2005)

حجاب در اصطلاح، پوششی است که اعضای بدن زن را به طور معمول، بپوشاند و مطابق با دستورات دین اسلام باشد. (Fazelian, 2010: P.74) کسی که دارای حجاب باطنی است، ویژگیهایی دارد که عبارتند از: الف) عفاف و حجاب ذهن: نپرواندن ذهنیت گناه و معصیت در ذهن و پرهیز از فکر و خیالات باطل؛ ب) عفاف و حجاب در نگاه: از دستورات مؤکد اسلام رعایت نگاه و پرهیز از نظر کردن به نامحرم است. چرا که بیشترین تأثیر منفی را بر دل می گذارد؛ ج) عفاف و حجاب در گفتار: برای زن جایز نیست صدای خود را بگونه ای جلوه دهد که موجب تحریک نامحرم شود؛ د) عفاف و حجاب در ارتباطات: اسلام هر گونه ارتباط و برخورد هستی میان زن و مرد اجنبی را حرام کرده است؛ ه) عفاف و حجاب در رفتار و معاشرت: زن مسلمان علاوه بر پوشش ظاهری باید در نوع حرکات، برخوردها و حتی راه رفتن نیز زمینه سوء استفاده افراد اجنبی را از میان ببرد؛ ی) عفاف و حجاب در پوشش: حکم وجوب حجاب زن در برابر نامحرم یکی از احکام مسلم اسلام است که درباره آن تردیدی نیست.

هرگاه سخن از حجاب می رود، در جهت حفظ امنیت اخلاقی اجتماع و تکامل معنوی فرد به خصوص کرامت زن است تا در فعالیتهای اجتماعی حاضر شود: (Salajeghah; Mosapour, 2011: P.164).

حجاب، نه تنها برای انسانها محدودیت نمی آورد، بلکه با حفظ شخصیت و کرامت و مصونیت زنان، زمینه ی حضور فعال و رشد و بالندگی در مسیر صحیح برای آنان در اجتماع را فراهم می

سازد. امروزه یکی از مسائل مهمی که جامعه ما را تهدید می نماید بدحجابی است. اگر ضرورت و نقش عفاف و حجاب در اجتماع به خوبی تبیین و به درستی منتشر شود، زمینه های توسعه و ترویج آن به راحتی و با مشارکت همه ی مردم فراهم خواهد شد. توجه به حجاب فرآیندی پیچیده و جمعی است که باید توسط نهادها، سازمانها، مؤسسات و گروه های متفاوت انجام گیرد. موفقیت و تدوام این فرآیند، در ارتباط تنگاتنگ با همکاری و هماهنگی میان این سازمانها و نهادها است؛ ارتباطی که در عین حال، استقلال و هویت هر یک از اینها را حفظ نماید. هر نهاد و سازمانی براساس نقش خاصی که در شبکه روابط اجتماعی دارد، وظایف و تعهدات ویژه ای نیز به عهده دارد که موظف به انجام آنها می باشند؛ از این رو، تمام تلاش نهادهای آموزشی باید در زمینه حجاب و روشن نمودن ابعاد آن باشد.

با وجود این، هر قدر حجاب با دو خصیصه شناخت و انتخاب برگزیده شود، تمام رفتارها براساس آن شکل می گیرد. هر قدر شناخت و اختیار انسان بیشتر باشد، عقیده و مرام او نیز پایدارتر است. در واقع حجاب محصول شناخت و بینشهایی است که زن از هستی، انسان، روابط اجتماعی و چگونگی تکامل و رشد صحیح خود دارد و بدین باور رسیده است که با پوشش دادن به خود، سیر معنوی جامعه را سرعت می دهد.

حجاب در قرآن و روایات

در قرآن دو دسته آیه در مورد پوشش وجود دارد. دسته اول آیاتی در مورد وجوب حجاب و پوشش ظاهری و حد و کیفیت آن نازل شده است، مانند: آیه ۳۱ و ۳۵ سوره نور و ۱۹ سوره احزاب. دسته دوم آیاتی که زنان را از رفتارهایی که سبب جلب توجه و تحریک نامحرم می شود، باز می دارد. همچنین قرآن، حیا و عفت را مورد ستایش قرار می دهد مانند: آیه ۳۳ سوره احزاب، ۲۳ و ۲۱ سوره قصص.

چارچوب کلی برای پوشش در اسلام چنین بیان شده است: پوشاندن تمام بدن در مقابل نامحرم، به استثنای صورت و مچ دستها به پایین، که طبق نظر مشهور فقها پوشاندن آنها واجب نیست. علاوه بر پوشش لباسهای عادی، که زنان و مردان در داخل منزل استفاده می کنند، برای حجاب بیرون از منزل و در مقابل نامحرم، قرآن از چند نوع پوشش خاص، نام برده است. جلباب و خمار که دو نوع معروف اند. الف) خمار) وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ^۱؛ زنان باید سر، سینه، و دوش خود را با مقنعه بپوشانند. خُمُر جمع خمار، و مراد از آن پوشش مخصوص سر و اطراف سر بانوان، مثل مقنعه است. ب) جلباب) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلرَّؤَاجِكِ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ

^۱ سوره نور آیه ۳۱

ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ...^۱؛ ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویش را به چادر فرودپوشند...؛ جلابیب در آیه ی شریفه، جمع جلاباب است و جلاباب به معنای پوشش گسترده و فراگیر تمام بدن است، که زنان بر روی لباسهای دیگر می پوشند. جلاباب بلندتر از روسری و کوتاهتر از رداء است که زنان به وسیله آن خودمی پوشانند. (Mostafavi, 1987, vol.2, p94)

همچنین در روایات نیز تاکید زیادی بر این مهم شده است. به عنوان نمونه، امام علی(ع) در نهج البلاغه میزان قوام و بقای شخصیت و احترام و امنیت زن را بسته به میزان حجاب می داند و می فرماید: « فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أُنْقَىٰ عَلَيْهِنَّ » به درستی که شدت حجاب برای حفظ آنان بهتر است (نامه ۳۱). (Nahj al-Balaghah, 2012) امام صادق علیه السلام درباره چیزی که زن از زینتش می تواند آشکار کند، چهره و دو دست را بیان کردند. (Horeh Ameli, 1975, Vol.54) بطور کلی مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

مبانی نظری و پیشینه

پیشینه حجاب به عنوان امری فطری، به خلقت اولین انسانها برمی گردد. قدر مسلم این است که قبل از اسلام نیز حجاب در میان برخی از ملل وجود داشته است. (Mohammadi; Ghodsi, 2016) حجاب از اساسی ترین مسائل دینی است که اختصاص به دین اسلام ندارد و در تمام ادیان الهی از جمله: زرتشت، یهود و مسیحیت، به لزوم رعایت آن تأکید شده است. (Mahboubi Manesh, 2007). در این حوزه تحقیقات مختلفی انجام گرفته است، برخی از پژوهشهای مرتبط با حوزه موضوعی حجاب در ذیل آمده است.

مطالعاتی که درباره نوع پوشش بانوان از ایران باستان تا قرون اخیر در دست است؛ بیانگر توجه به پوشیدگی زنان و استفاده از لباسهای بلند و گشاد است. (Chitsaz, 1995) در زمان فتحعلی شاه قاجار، دروویل لباس زنان ایرانی را چنین توصیف می کند: آنها هنگام خروج از خانه، خود را در چادر می پوشانند. چادر از قماش نخی سفید دوخته شده و دامن آن گرد است. با قیطانی چادر را بر سر و یا گردن محکم کرده و صورت را با پارچه ای به نام روبند می پوشانند. روبند، پارچه نخی چهار گوشه است که با دو قلاب کوچک در بالای پیشانی به دستار می چسبند. در میان روبند، شکاف افقی درازی باز و آن را توردوزی می کنند. زنان هنگام خروج از خانه، چکمه های پارچه ای بلندی که تا بالای زانو می رسد. (Abbaszadeh, Mousavi, Zardmavi, 2015)

^۱ سوره احزاب آیه ۱۹

در پژوهشی در میان دختران بنگلادشی نشان دادند دخترانی که لباسهای سنتی و مذهبی را بر لباسهای غربی ترجیح می دهند، کمتر مستعد مشکلات روانی در زندگی آینده هستند. چنانکه این مسئله، اثرات بلندمدتی بر بهزیستی و شادکامی آنها دارد؛ (Sharipoor; Taghavi; Mohammadi, 2012).

رجالی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند که ۱۹/۴ درصد از دانشجویان، موافق و ۱۹ درصد از آنها مخالف با حجاب هستند؛ همچنین ۶۱/۶ درصد از آنان نیز نظر بینابینی دارند. بین متغیرهایی چون ترم تحصیلی و وضعیت سکونت با نگرش آنها نسبت به حجاب رابطه معنادار وجود داشت. رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی نشان دادند که مهمترین سبک کنش اجتماعی مؤثر در رعایت حجاب، کنش ارزشی دینی است و سبک مؤثر در رد آن، کنش ارزشی سکولار می باشد. استفاده از ماهواره و اینترنت نیز در سبک کنش ارزشی (دینی و سکولار) مؤثرند. جهانگیری و شجاعی (۱۳۹۱) در تحقیقی بیان کردند که، بین خودپنداره و تصور دانشجویان نسبت به خود و میزان باور به حجاب آنها، رابطه معنی داری وجود دارد. (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۱) در تحقیقی که با عنوان گرایش به حجاب و سبکهای متفاوت زندگی که بر روی ۵۰۸ نفر از زنان و دختران شهر شیراز انجام شد، به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت بین هویت مذهبی، سبک زندگی مذهبی با گرایش به حجاب وجود دارد. همچنین متغیرهای تصور از بدن، مدیریت بدن، فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی، فعالیتهای ورزشی موسیقایی مدرن، سبک مشارکتی جدید و سبکهای فراغتی جدید رابطه منفی با گرایش به حجاب داشته اند.

یک نظرسنجی در تهران (۱۳۸۵) درباره پوشش نامناسب توسط برخی افراد نشان داده که ۲۳ درصد تبعیت از مد روز، ۲۰ درصد زیبا و متنوع بودن لباس های جدید، ۳۹ درصد جلب توجه و ۱۲ درصد اظهار مخالفت با برخی سیاستهای کشور را دلیل انتخاب پوشش های نامناسب خود دانسته اند. در نظرسنجی دیگری که در سال (۱۳۸۸) در سطح شهر تهران انجام گرفت، نشان داد رفتار پوششی در عین حال نشان هایی از باورها و اعتقادات شخصی نیز محسوب می شود و از این بُعد بیشتر مورد عنایت نظام های تربیتی و سیاسی قرار می گیرد. در نظام های تربیتی و سیاسی دارای هنجار پوششی، الگوهای خاصی از پوشش به عنوان پوشش هنجار مطرح می شود و به شکل های مختلف از اعمال آنها حمایت به عمل می آید. اگر شیوه پوشش در بین برخی از گروه ها، مغایر با معیارها و هنجارهای رسمی و پذیرفته شده باشد، می توان گفت مشکلی اجتماعی ظهور یافته است (نبوی وشهریاری، ۱۳۹۱). همچنین حسن پور و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی نشان دادند، آشنا کردن دانش آموزان با فلسفه و حدود حجاب و استفاده از الگوهای مناسب در تبلیغ حجاب برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب ضروری است. فرمانی پور و همکاران (۱۳۸۲) در تحقیقی در

زمینه نگرش دانش آموزان دختر نسبت به حجاب معتقدند که اعمال تشویق به داشتن حجاب مناسب تر از اعمال تهدید و سختگیری است. در تحقیق (کرمانشاهیان، ۱۳۷۹) نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با افزایش و تقویت ارزشهای دینی در افراد، تمایل به حجاب نیز در بین آنها افزایش می یابد. (اکبری، ۱۳۷۴) طی تحقیقی به نتایجی دست یافت که: رعایت حجاب اسلامی با سن، آگاهی، تحصیلات، محل تولد، اصرار همسر و پدر، اعتقادات مذهبی والدین، روابط گرم و صمیمانه والدین با یکدیگر، سطح معلومات مادر و استفاده مادران از چادر رابطه مستقیم و معنی دار دارد.

روش پژوهش و ابزار پژوهش

هدف کلی در تحقیق حاضر، تعیین و تبیین تجربه زیسته دانش آموزان از نحوه حجاب می باشد که با پرسش، فهم دانش آموزان از نحوه رعایت حجاب چگونه است؟ انجام یافته است. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانش آموزان مدارس دخترانه متوسطه دوره دوم شهر تبریز، در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ که رعایت پوشش چادر در مدارس آنها اجباری است، تشکیل می دهند. نمونه آماری از بین جامعه آماری مورد نظر به صورت هدفمند گزینش شده است. برخورداری از مشارکت در حداقل یک فعالیت اجتماعی خارج از مدرسه، برخورداری از حداقل معدل ۱۷ در نمرات سال گذشته، حضور همه اعضای خانواده در یک خانه، نبود هیچ سابقه بی انضباطی در مدرسه، از معیارهای انتخاب نمونه پژوهش بوده اند. همچنین اعضاء نمونه بر اساس معیارهای فوق و نیز بر اساس دسترسی از جامعه آماری و تا رسیدن به اشباع داده ها انتخاب شده اند. چنانکه در پژوهش کیفی، به طور معمول واحدهای نمونه بر پایه هدف خاصی که مورد توجه محقق است و بر پایه نیاز پژوهش گزینش می شود، تا اطلاعات غنی و عمیق از آنان به دست آید.

تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و به شیوه پدیدار شناسی انجام گرفته است. هدف در روش تحقیق پدیدارشناسانه، مطالعه این امر است که چطور پدیده انسانی در آگاهی و در شناخت تجربه می شود، این روش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا نیازی بر روشن سازی بیشتر پدیده خاص وجود دارد. (Abedi, 2010) محقق در این روش با استفاده از ابزارهایی چون مصاحبه عمیق، به دنبال این امر است که چگونه افراد معانی را برای پدیده های مختلف ایجاد می نمایند. تحلیل یافته ها در رویکرد پدیدار شناسی خود به دو روش توصیفی و تفسیری تقسیم می شود. علیرغم شباهت های بسیار؛ این دو روش تفاوتی هم دارند که شناخت آنها برای انتخاب به جا و مناسب هر یک از دو روش تحقیق پدیدارشناسی در زمینه های مختلف کمک کننده می باشد (Imami Sigaroodi; Dehghan Nayeri; Rahnavard; Noori, 2012). در تحقیق حاضر نوع توصیفی از این رویکرد مورد

توجه است، که در این روش هدف اصلی خلق یک توصیف جامع از پدیده تجربه شده برای دستیابی به درک ساختار ذاتی آن می باشد. جهت بررسی تجربه دانش آموزان از مقوله حجاب، دانش آموزان دوره دوم متوسطه مدارس خاص در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۵ مورد توجه قرار گرفته اند. مصاحبه ها در خارج از محیط مدرسه بود تا جو مدرسه فهم آنها را تحت تأثیر قرار ندهد. همچنین، در مطالعه حاضر جهت واکاوی ادراک دانش آموزان از نحوه حجاب و به منظور تحقق اهداف پژوهش؛ ۲۳ مصاحبه فردی نیمه ساختار یافته با ۲۰ نفر از دانش آموزان صورت گرفت. هدف از چنین مصاحبه‌ای، جمع‌آوری خاطرات، تجارب و روایتهای دانش آموزان در مورد نحوه حجاب بود. سؤالات به نحوی طراحی و مطرح شدند که نظرات، ادراکات و برداشت‌های مصاحبه شونده در مورد موضوع دریافت شود. طی مصاحبه، دانش آموزان به بیان تجربه های خود از حجاب پرداختند، مصاحبه ها در زمانهای بیست تا سی دقیقه ای انجام گرفت و مصاحبه ها تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت، یعنی تا زمانی که با افزایش تعداد مصاحبه ها نظر جدیدی از افراد، یافت نشد. یک مصاحبه گروهی به شکل یک گروه سه نفری و مصاحبه فردی ۲۱ مورد حضوری و یک مورد آن لاین انجام شد. مصاحبه فردی با سه نفر از مصاحبه شوندگان جهت دریافت اطلاعات تکمیلی دوباره انجام شد و مجموع مصاحبه ها شامل یک مصاحبه گروهی و ۲۳ مصاحبه فردی بوده و تعداد نقرات مصاحبه شده ۲۰ نفر بوده است. هماهنگی قبلی جهت جلوگیری از اتلاف وقت مشارکت کنندگان انجام گرفت و با اجازه مشارکت کنندگان مصاحبه ها ضبط شد و شرکت کنندگان از انصراف در هر زمان از تحقیق آزاد بودند.

نمونه ای از سوالات مصاحبه عبارتند از: آیا به خاطر حجاب مورد بی احترامی قرار گرفته اید؟ آیا از دوستان در مورد چادر اجباری در مدرسه مواردی شنیده ای؟ آیا حجاب در رفتار دوستان تاثیر دارد؟ در موردش بیشتر صحبت کنید؟ اگر در مدرسه به چادر اهمیت ندهند، آیا به نحوه پوشش خود ادامه می دید؟

در تحقیق حاضر چون تبیین تجارب افراد از پدیده نحوه حجاب به شکل توصیفی مورد توجه پژوهشگر بود، بنابراین بعد از هر مصاحبه از روش کلایزی برای تحلیل آن استفاده شد که مراحل آن عبارتند از:

- جهت هم احساس شدن با شرکت کننده همه ی مطالب هر مصاحبه به دقت خوانده می شود.
- عبارات مهم به همان صورت (زبان شرکت کننده) استخراج می شود.
- معنای هر عبارت مهم استخراج می شود.
- کدهای مشابه به صورت دسته هایی سازماندهی و یک توصیف عبارتی مختصر برای هر دسته انتخاب می شود.
- دسته هایی که از نظر معنایی در یک طبقه قرار می گیرند با هم ادغام می شوند.

- طبقات مشابه که دربرگیرنده ی یک مفهوم اصلی یا محوری پژوهش باشد، باهم ادغام می گردند.

- درمرحله ی آخرازشرکت کنندگان سؤال می شود که آیا یافته ها ی به دست آمده انعکاسی از تجربیات آنهاست یا نه (اعتباربخشی مفاهیم) و به این ترتیب یافته های اصلی پژوهش حاضر، تایید و تفسیرمی شود.

یافته های پژوهش

پس از پیاده کردن ۲۳ مصاحبه با ۲۰ نفر از دانش آموزان و نیز یک مصاحبه گروهی، پیاده سازی متن مصاحبه ها بر روی کاغذ و بازخوانی و دسته بندی متون مصاحبه، از تجارب زیسته نحوه حجاب در میان دانش آموزان دبیرستانی، مضامین هشتگانه ای پدیدار شد که خلاصه آن در جدول یک ارائه شده است:

مضمون اول: تأثیر تجربه گذشته در تعیین نوع حجاب

مصاحبه شوندگان بر این باور بودند که نوع حجاب افراد ریشه در فرهنگ خانواده و کسانی دارد که با آنان در ارتباط یا رفت و آمدند و باورهای خانواده و اطرافیان بر نوع و حدود حجاب و اندیشه شان در مورد حجاب اثر دارد. کدهایی همچون: تأثیرپذیری نوع حجاب از خانواده، دوستان، تجارب کودکی، حجاب اطرافیان، ثبات نظر خانواده، انسجام خانواده، حجاب مادر، حجاب دوستان، تجارب خانوادگی در شکل گیری این مضمون نقش داشته اند.

نمونه ای از پاسخهایی که مضمون فوق را در برداشتند:

خانواده ام دوست دارن که من چادر سر کنم.

بعضی از دوستای من باچادر هستند ولی اخلاق اسلامی ندارن.

من عادت کردم که چادر سر کنم.

مضمون دوم: رعایت حجاب در گرو وضوح تعریف آن

از نظر مصاحبه شوندگان انواع مختلفی از حجاب وجود دارد و هر کسی ممکن است نگاه متفاوتی به حجاب و حدود آن داشته باشد. کدهایی همچون: تفاوت حدود حجاب، اعتقاد شخصی به حجاب، تفاوتهای فردی، تعریف حجاب، قوانین حجاب، فرهنگ حجاب در شکل گیری این مضمون نقش دارند.

نمونه ای از پاسخهایی که مضمون فوق را در برداشتند:

شال و روسری هم می تونه حجاب باشه.

من گاهی حتی با چادر هم احساس می کنم، حجابم کامل نیست.
به نظر من آدم باید در حد متوسط خودشو بپوشونه.
به سبب تنوع و گوناگونی هر مانتویی را نمی شه حجاب گفت.

مضمون سوم: اصلاح نظام شناختی، بهترین شیوه آموزش حجاب

مضمون حاضر بر اساس این دیدگاه مصاحبه شوندگان شکل گرفته که برای بهبود حجاب در جامعه شیوه هایی همچون الزام، اجبار، برخورد پلیسی و هر آنچه مبتنی بر تحمیل است و نه ترغیب، جوابگو نمی باشد و برای نهادینه کردن حجاب اصلاح نظام شناختی و ارتقاء آگاهیهای افراد و بویژه نسل جدید مؤثرتر خواهد بود. ارتقاء آگاهیهای افراد از حجاب، ضرورت و مزیتهای آن می تواند به نهادینه شدن حجاب کمک کند.

نمونه ای از پاسخهایی که مضمون فوق را در برداشتند:
بعضی ها در جامعه با لباسهایی ظاهر می شن که بیانگر بی اعتقادیشونه .
اجبار کردن مقنعه در بعضی جاها، باعث مدلهایی از مقنعه شده که موها را نپوشونه.
در بعضی جاها، شلوارهای کوتاه، مانتو آستین کوتاه و...مرسومتره.
لباس بلند، عین مانتو هست. حتی، چیزی مثل چادره.

مضمون چهارم: وابستگی حدود حجاب به محیط باعث مقطعی بودن آن

با توجه به گفته های مصاحبه شوندگان ادراک افراد از حجاب تابعی از محیط و شرایط محیطی است و چون محیطها در ارتباط با حجاب متفاوتند، حجاب نیز مقطعی است. کدهایی همچون نقش محیط در حجاب، تفاوتهای اجتماعی، تفاوت محیطی در این مضمون نقش دارند.
نمونه ای از پاسخهایی که مضمون فوق را در برداشتند:

بعضی ها از در مدرسه که بیرون می رن چادر را می ذارن تو کیفشون.
بعضی از معلمان ما که تدریس خوبی دارن در بیرون از مدرسه چادر سر نمی کنن.
بعضی از دانش آموزا بیرون از مدرسه با لباسهای متفاوت دیده می شن.
بعضی از هم مدرسه ای های ما دانشگاه که می رن چادر را کنار می ذارن.

مضمون پنجم: ایدئولوژیک بودن اندیشه حجاب مهمترین نکته در رعایت آن

با توجه به گفته های مصاحبه شوندگان اعتقاد افراد به حجاب تابعی از اعتقاد کلی آنها به تمام وظایف دینی می باشد و کدهایی همچون وظیفه شرعی، دینداری، حجاب به معنای دینی، ترغیب به حجاب، حجاب در اعمال و کردار، حجاب در گفتار در شکل گیری این مضمون نقش داشته اند.

نمونه ای از پاسخهایی که مضمون فوق را در برداشتند:
 عدم رعایت پوشش مناسب به دلیل عدم شناخت ضرورت شرعی حجاب.
 انجام وظایف شرعی در رعایت نوع پوشش هم تاثیر داره.
 من اغلب لباسم به جوریه که جلب توجه نکنه ولی تحمل چادر را هم ندارم.
 تنها آسانی استفاده از مانتو و کارایی زیاد آن باعث استفاده نکردن از چادره.

مضمون ششم: گرایش درونی به حجاب، پایدارترین شیوه عمل به حجاب

با توجه به گفته های مصاحبه شوندگان گرایش درونی به حجاب، پایدارترین شیوه عمل به حجاب می باشد. کدهایی همچون الگوسازی فردی، الگوسازی اجتماعی، پر رنگ کردن نیازهای نوجوانان در ارتباط با حجاب، توجه به گرایش دانش آموزان دبیرستانی درونی به همسالان، توجه به گرایش دانش آموزان دبیرستانی به مذهب در استخراج این مضمون سهم داشته اند.

نمونه ای از پاسخهایی که مضمون فوق را در برداشتند:
 اجبار کردن چادر، باعث نمی شه که همه بچه ها اون را در زندگی بپذیرن.
 من مجبورم چادر سر کنم البته اگه سر نکنم؛ تو مدرسه رام نمی دن.
 چادر یه لباس سنتی است که در گذشته بدان عادت داشتن.
 نحوه برخورد افراد جامعه در نوع پوشش ما تاثیر داره.

مضمون هفتم: سبک حجاب مبتنی بر خلق هویت به روز

با توجه به گفته های مصاحبه شوندگان سبک حجاب متناسب با مدلها و شرایط به روز برای دانش آموزان جذبه بیشتری دارد. کدهایی همچون حجاب در فضای مجازی، اثرات رسانه های جمعی، توجه به تنوع اندیشه، توجه به تنوع حجاب در استخراج این مضمون مورد استفاده بوده اند.

نمونه ای از پاسخهایی که مضمون فوق را در برداشتند:
 باید حجاب را با فرهنگ بومی، دینی و جهانی متناسب و به روز کرد.
 اینترنت و ماهواره در انتخاب پوشش و لباس تاثیر داره.
 دنیای مجازی مفهوم حجاب را کمرنگ کرده.
 من می خواستم در مدرسمون چادرهای مدل جدید و رنگهای مختلف باشه.

مضمون هشتم: تمایز در جمعهای دانش آموزی با عدم فراگیری الگوی چادر

با توجه به گفته های مصاحبه شوندگان ادراک متفاوت دانش آموزان از حجاب و عدم فراگیری الگوی چادر در بین آنها، نوعی تمایز با دانش آموزان دیگر مدارس احساس می شود. کدهایی همچون

ایمن سازی اجتماعی، اختیاری نمودن حدود حجاب، توجه به معنای واقعی حجاب در مدارس و اجتماع در شکل گیری این مضمون مؤثر بوده اند.

نمونه ای از پاسخهایی که مضمون فوق را در برداشتند:

عدم فراگیری چادر در مدارس دیگر باعث می شه به جوری از جمع اونا جدا بشیم.

در جاها یی که مدارس دیگه هم حضور دارند، اونها آزادتر از ما عمل می کنن.

من دوست ندارم انگشت نما باشم، دوست دارم مثل همه لباس بپوشم.

من خونوادم دوست دارن محجبه باشم به خاطر همین این مدرسه را انتخاب کردن.

جدول یک: مضامین، زیر مضمونها و کدهای مستخرج از مصاحبه ها

مضمون	زیر مضمون	کدها
تأثیر تجربه گذشته در تعیین نوع حجاب	تأثیر خانواده	خانواده، تجارب کودکی، ثبات نظر خانواده، انسجام خانواده، حجاب مادر، تجارب خانوادگی،
	تأثیر اطرافیان	دیدگاه دوستان، حجاب دوستان، حجاب اطرافیان، فضای اجتماعی مدرسه
رعایت حجاب در گرو وضوح تعریف آن	فردی	اعتقاد شخصی به حجاب، تفاوت های فردی، برداشت شخصی از حجاب، تعریف حجاب فردی،
	اجتماعی	شفافیت قوانین حجاب، فرهنگ حجاب، تفاوت های اجتماعی حجاب
اصلاح نظام شناختی، بهترین شیوه آموزش حجاب	شیوه های ناکارآمد	اجبار، الزام قانونی در مدرسه، برخورد انضباطی، شک و بد دلی، برچسب زدن، طرد کردن، محرومیت
	شیوه های کارآمد	آموزش ضرورت حجاب، حدود شرعی، مزایای حجاب، آسیب های اجتماعی ناشی از بی حجابی، آسیب های خانوادگی بی حجابی، معرفی الگوهای حجاب، آموزش سیره عملی الگوهای حجاب
وابستگی حدود حجاب به محیط باعث مقطعی بودن آن	محیط رسمی	توجه بیشتر به حجاب، حجاب به عنوان الزام، گرایش به چادر،
	محیط غیر رسمی	توجه کمتر به حجاب، اغماض از حجاب، اغماض از چادر، اهمیت خودکنترلی و باورها

ایدئولوژیک بودن اندیشهٔ حجاب مهمترین نکته در رعایت آن	وظیفه دینی	وظیفه شرعی، دینداری، حجاب به معنای دینی، ترغیب به حجاب، حجاب در اعمال و کردار، حجاب در گفتار .
گرایش درونی به حجاب، پایدارترین شیوه عمل به حجاب	گرایشات دوران بلوغ	پر رنگ کردن نیازهای نوجوانان در ارتباط با حجاب، گرایش درونی نوجوانان به همسالان، گرایش درونی نوجوانان به مذهب، الگوسازی فردی
هم راستایی اجتماع	هم راستایی اجتماع	الگوسازی اجتماعی، توافق خانواده و اجتماع، نبود تضاد محیطی
سبک حجاب مبتنی بر خلق هویت به روز	رسانه ها	فضای مجازی، رسانه های جمعی، کاهش کنترل خانواده،
تمایز در جمعهای دانش آموزی با عدم فراگیری الگوی چادر	فردی	توجه به معنای واقعی حجاب، ارتقاء باورها، کسب بینش حجاب،
	اجتماعی	ایمن سازی اجتماعی، فراگیر نمودن حجاب برتر، اختیاری نمودن حدود حجاب،

بحث و نتیجه گیری

پوشش و حجاب هم تحت تأثیر عوامل بیرونی مثل شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هم عوامل درونی مثل ویژگی های فردی، اعتقادی و شناختی است. با توجه به اینکه نگرش افراد نسل جدید نسبت به حجاب با نگرش نسلهای گذشته تغییر یافته است؛ در این راستا خانواده، گروه همسالان، محیطهای آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، در تغییر نگرشها نقش محوری داشته اند. دریافت فهم دانش آموزان در مورد نوع حجاب در مدارس که چادر در آنها اجباری است؛ بیانگر دو نگرش متفاوت بود؛ گروهی با آن موافق و گروهی با آن مخالف بودند. اکثریت قریب به اتفاق چادر را بهترین پوشش معرفی نمودند و همچنان بر این عقیده پافشاری می کردند که پوشش کامل برای زن مسلمان در تعاملات اجتماعی، همان چادر است. اما گروه دوم مانور را بهترین پوشش می دانستند. آنچه تفاوت در این دو گروه را ایجاد کرده، ایدئولوژی است. یعنی ایدئولوژی این افراد سبک اندیشه مشخصی را ایجاد کرده و به پوشش آنها معنایی هویتی داده است. که بیشتر هویت دینی، طرز پوشش و نگاه آنان را شکل می داد. بیشتر آنها هم به لحاظ اعتقادی و هم به لحاظ عملی معتقدند که پوشش چادر، صحیح ترین مدل حجاب می باشد. همچنین معیارهای اخلاقی که به معیارهای دینی شباهت دارد؛ برای برخی از دانش آموزان ارزشمند بود. به همین جهت مفهوم پیچیده تری از

پوشش مانند: خلق هویت و سبک زندگی برای آنان مطرح بود؛ که دو نوع سبک رفتاری متفاوت مبتنی بر خلق هویت دینی ایدئولوژیکی و اخلاقی دیده می شد. وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره، به مثابه منابع معرفتی، خانواده، شبکه های ارتباطی، محیطهای آموزشی، کانونهای فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی در نوع انتخاب این سبکها موثرشناخته شد. انتقال ندادن و درونی نکردن ارزشها در ساختار شخصیت، ضعف تعلق به فرهنگ دینی، بی مسئولیتی در رعایت قواعد اجتماعی، بی مبالاتی در رعایت حریمها را در پی دارد.

همچنین این نتیجه را در پی داشت؛ که اگر استفاده از چادر در مدرسه ای به درستی تبیین نگردد، نمی توان از دانش آموزان انتظار داشت آن را بپذیرند و به عنوان پوشش غالب تأیید کنند. بنابراین هرچه والدین و مدارس معیار مذکور را قوی تر کنند؛ میزان پذیرش فعالانه آن، ارتقاء خواهد یافت. هرچه والدین موثرتر عمل کنند، فرزندان با آغوش باز از آن برخوردار خواهند بود. برنامه ریزی درست مدارس از جمله اتخاذ روش ها و قوانین روان شناختی و برچیدن مقررات خشک نیز در این امر بسیار مهم می باشد.

یافته های این پژوهش بازنمایی تجارب زیسته دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر تبریز درباره نحوه حجاب (در مدرسی که چادر در آنها اجباری است) نشان می دهد که در فهم دانش آموزان، نحوه حجاب فقط با برنامه های اجباری نمی تواند درونی شده و تثبیت گردد. همچنین از تجربه دانش آموزان مضامینی بدست آمد که عبارتند از: هرچند تأثیر تجربه گذشته در تعیین نوع حجاب زیاد است؛ با این حال رعایت حجاب در گرو وضوح تعریف آن می باشد، اصلاح نظام شناختی، بهترین شیوه آموزش حجاب می باشد. ایدئولوژیک بودن اندیشه حجاب مهمترین نکته در رعایت آن و گرایش درونی به حجاب، پایدارترین شیوه عمل به حجاب است. در حالیکه وابستگی حدود حجاب به محیط باعث مقطعی بودن آن می شود. سبک حجاب مبتنی بر خلق هویت به روز می باشد. عدم فراگیری الگوی چادر تمایز در جمعهای دانش آموزی را در پی دارد.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهشهای

Hasanpour; Sharipoor, Taghavi, Mohammadi, (2012) Mohammadi, Ghodsi (2016) (2004) Delaouiz; Yazdi; Najafi, FarmaniPour; Khani; Akbari (2003) همسو می باشد. در پژوهشهای بیان شده می توان به جمع بندی کلی دست یافت، که عبارت است از: برنامه ریزی برای پوشش خلاء فرهنگی و تربیتی بین مدارس، تقویت روحیه دینی برای پایبندی به ارزش های فرهنگی همچنین فرهنگ سازی برای ایجاد تقویت و گسترش پوشش اسلامی در بین دانش آموزان، پرورش عقلانی و ارتقاء سطح شناخت و آگاهی آنان نسبت به ارزش های خود، تبدیل شدن حجاب

به یک باور درونی، غنی سازی محتوای دروس معارف اسلامی در جهت تقویت هویت دینی، تقویت باور های دینی خانواده، از رویکردهای موثر در ترویج فرهنگ حجاب است.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش (Khidany, 2015) که تجربه گذشته افراد در حجاب وی، نقشی ایفا نمی کند؛ نا همسو می باشد. به نظر می رسد دلیل نا همسو بودن این نتیجه با نتیجه پژوهش خیدانی عدم توجه پژوهش آنان به ادراکات واقعی و تجارب زیسته و مطالعه کمی موضوع بوده است.

خانواده و فرهنگ خانواده و روابط خانوادگی همچنین زندگی اسلامی مدرن با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، اعتقاد به حجاب را تحت تاثیر قرار داده است. چنانکه معرفی رسمی و تبلیغات گسترده در رسانه های جمعی به منظور آگاهی بخشی از اهمیت بسزایی برخوردار است. تعلق فرد به نوع حجاب، اگر با رضایتمندی همراه باشد و فرد از رهگذر این همسویی به پاداشهای روانی خوشایند و ارضاکنده ای دست یابد، رفته رفته سبب اشتیاق در عمل وی می گردد. در واقعیت نه تنها این امر محقق نشده و چادر در رسانه ملی ظهور و بروز پیدا نکرد و یا توسط نقشهایی استفاده شد که به لحاظ فرهنگی، مقبول طبع نبودند و برد گسترده و الگودهی نداشتند.

در کنار این موارد مدیریت قوی، ساختارهای فراشخصی چون هویت قومی محلی و ملی می توانند، آسان کننده استفاده از چادر شوند. چنانکه که در نظر برخی دانش آموزان یافت شد، ارتباطات اینترنتی ایجاب می کند که ویژگیهای بومی، فرهنگی و دینی را با فرآیندهای جهانی تلفیق شده و یک سبک پوشش مبتنی بر خلق هویت به روز ایجاد شود. جامعه کنونی ایران در این فرآیند پیچیده جهانی شدن؛ اگر می خواهد ویژگی های بومی، فرهنگی و دینی خود به جهان ارسال کند، باید درصدد نوعی بازپردازش آن برآید. توجه به فهم دانش آموزان کل کشور و دریافت نگرش و گرایش آنها نسبت به نحوه حجاب کمک شایانی در رسیدن به چنین برنامه ریزی جامع خواهد کرد.

References:

Abbaszadeh, Mohammad-Mousavi, Hakimeh-Zardmavi, Shapour (2015). Understanding the use of the national tent with a phenomenological approach. Educational Journal of Women and Family. Year 10, No. 31.

Abedi, Heidarali(2010). Application of Research Methodology in Clinical Sciences, Journal of Strategy, Spring Volume 19, No. 4, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, pp. 207-224. PERSIAN.

Akbari B(1995). Islam and clothing consumption. Tehran: Institute of Business Studies and Research Publication. Persian.

Chitsaz, Mohamad Reza(1995). Clothing history of Islam to the Mongol invasion from the beginning, Tehran: Samt Publication. Persian.

–FarmaniPour masoumeh; Khani Hossein; Akbari Sakineh(2003). A survey on the attitude of female students of secondary schools in Yazd toward veil, Department of Education of Yazd Province. PERSIAN.

Fazalalahi, Seyfollah(2012). The underlying causes of Islamic coverage and ways to promote it among female university students, Journal of Cultural Studies at Islamic University, Summer period 2, 3, pp.323-342. PERSIAN.

Fazelian, Poorandavat(2010). Relationship Between Veil and Social Security among Women in Tehran, Women's Research Paper, Autumn and Winter, No.2, pp. 65-86. PERSIAN.

–Hadad Adel, Gholamali(2007). Culture of Nudism and Cultural Nursing, Tehran: Soroush.PERSIAN.

Hasanpour Jafar ; Delaouiz Khalil ; Yazdi Samad and Najafi Habibollah(2004). Attitudinal study of middle school girl students of Mazandaran Province toward Veil, Ministry of Education of Mazandaran province, indexed in the Information Science and Technology Research Center of Iran.PERSIAN.

Horeh Ameli, Muhammad ibn Hassan (1975). Shiieh means, c 54 Tehran: Islamic Library.

Imami Sigaroodi Abdolhossein ; Dehghan Nayeri Nahid; Rahnavard Zahra; Noori Saeed Ali(2012). Qualitative Research Methodology: Phenomenology, Journal of Nursing and Midwifery Journal.No 68, Autumn and Winter, pp. 56-63. PERSIAN.

Jahangiri, Ali; Shojaee, Maryam(2012). The Relationship Between the Level of Belief in Veil and Self-Design among Applicants' Applicants in Bojnourd, National Conference of Chastity, Individual and Social Security viel, Police Command, North Khorasan Province Office of Applied Research .PERSIAN.

Karimi, Yousef (1993).Social Psychology, Tehran: Ney PERSIAN.

Kermanshahiyani, Omolbanin(2000). Tendency to withdraw the veil, and among students of Tehran university and its sociological causes [dissertation]. Tehran: Tabatabaei University. Persian.

Khajeh Noori, Bijan et al.(2012). The tendency towards veil and different styles of life, Journal: Applied Sociology (Journal of Humanities Research, University of Isfahan) Volume 23, Issue 3, Autumn, pp. 141-166 PERSIAN.

Khidany, Lily(2015). Among the female students of the universities of Eilam , Study of veil culture and attitude towards it, Women's Research, Humanities Research and Cultural Studies, Summer ,year6, No. 2. PERSIAN.

Mahboubi Manesh, Hossein(2007). Social Analysis of the Issue of veil, Women's Strategic Studies Journal, No.38 p. 88. PERSIAN.

Mahdizadeh, Hosein (2005). veillogy, Publishing: Qom Seminary Management Center Publications. PERSIAN.

Mohammadi, Asghar; Ghodsi ,Meysam(2016). Attitudes toward veil among women aged 15 years and above Ilam city and its relationship with demographic variables in the year, Journal of Science and Technology, Ilam Culture ,Volume 16, No. 50 & 51, Spring & Summer, pp. 37-62. PERSIAN.

Moin, Mohammad (1963).Persian dictionary, Tehran: Amir Kabir, Volum 1. PERSIAN.

-Mostafavi, Hassan.(1987).Research in Words Al-Quran. Tehran Islamic Guidance Publications.

Nabavi, Seyyed Abdolhossein; Shahriari, Marziyeh(2012). Study on the Causes of Coverage Weakness among Female Students and its Optimization Strategies at the Level of Opinion and Practice, Two Months of Cultural Engineering, Seventh year, No. 69 and 70, Mehr and Aban, Pages 63-85. PERSIAN.

Nahj al-Balaghah (2012). Translation of Dashty, 1 volume, Famous - Iran; Qom, Printing: First Class.

-Rastegar Khalid, Amir; Mohammadi Meysam and Naghipour Sahar(2012). Social activities of women and girls regarding veil and its relation with Internet and satellite usage, Women's Strategic Studies Journal, Year 4, Number 56, p. 7. PERSIAN.

Rejali Mehri; Mostajeran Mahnaz and Lotfi Mehran (2012). Attitude of female students of Isfahan University of Medical Sciences on the veiling and covering of women and some factors affecting it, Journal of Health System Research, Period 8, August and September, No.3rd, pp. 244-430 .PERSIAN.

Salajeghah, Azita; Mosapour Nematollah, (2011). Comparative Study of Students Coverage of Governmental Universities, Payam Noor and Islamic Azad University Case Study of Baft City, Iranian Journal of Cultural Research, Volume 4, No. 3, Autumn, pp. 153-176. PERSIAN.

Sharipoor Mahmoud; Taghavi Zeynab and Mohammadi, Mehdi(2012).Sociological Analysis of Factors Affecting the Propensity to veil (Case Study: Female Students of Mazandaran University) ,Iranian Journal of Cultural Studies, Year 5th, No. 3, pp. 1-29. PERSIAN.

Talebi Delir, Masoomeh; Razavi Tusi, Seyyed Mojtabi(2013). Belief in the veil and related aspects, Femaily and Family Journal ,Seventh Year, No. 23, Summer, pp. 71-106. PERSIAN.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی